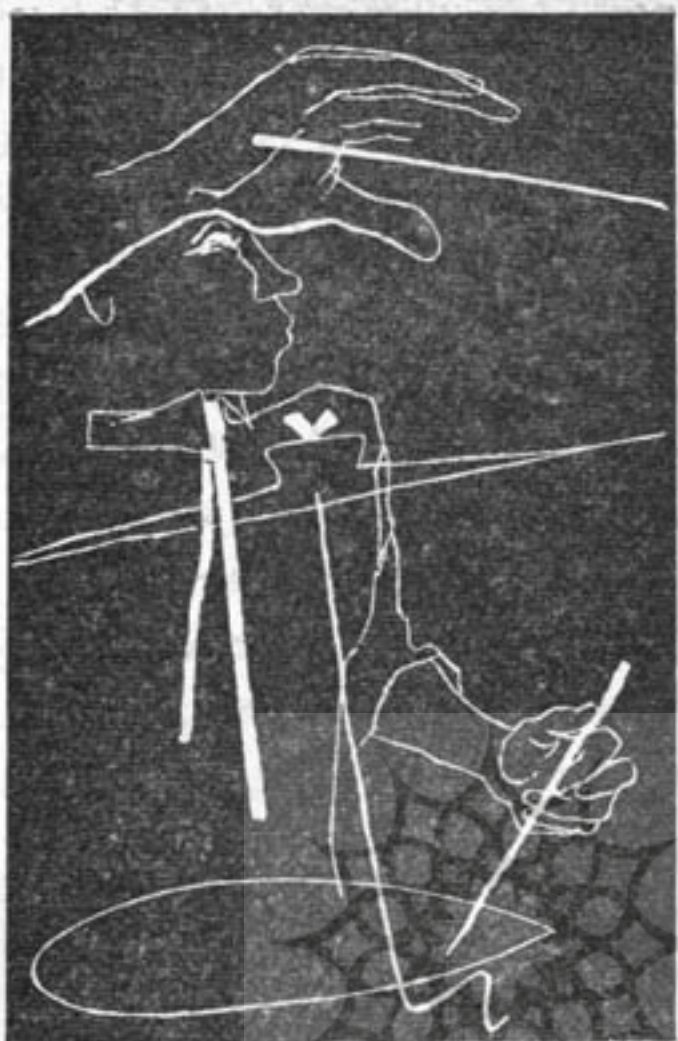


## موسیقی جاز

موسیقی جاز ، لابلای موجهای دریای آواز برده‌های سیاه و از اتمسفر مهیج و وحشی شهر نیواورلئان متولد شده است ؛ به این ترتیب که ساکنین سیاه و پرشور این شهر بیستگنی خود را به زندگی ، و احساسات برانگیخته و تندشان را به وسیله آن ابراز می‌داشتند .

این موسیقی مهیج و آتشین در آنجا متولد شد ولی از ماوراء کوهها و از راه ایالت شیکاگو و نیویورک راهش را به دنیای آزاد باز کرد :

در سال ۱۹۱۷ بدستور وزارت دربار اداری امریکا ، مجله خوشگذرانی - های نیواورلئان و تمام کافه‌های آن را بستند ، صندلی‌ها روی میزها انباشته شدند و نور چراغهای قرمز فرو نشستند . نوازنده همین کافه ها پس از این ماجرا آلات موسیقی خود را زیر بغل نهادند و از طریق میسیسیپی با یک کشتی بخاری به شمال امریکا رفتند و با این سفر تاریخ جاز را یکدوره جلو آوردند مدتی بعد سر و کله آنها از سن لوئی و کانزاس پیدا شد ؛ از آنجا هم دورتر رفتند و راه خود را به شیکاگو یا « شهر بادی » باز کردند . شیکاگو این عنوان را بعلت بادهای ملایمی که از سوی دریاچه میشیگان با آنجا می‌وزد



دریافت نکرده است ،  
 بلکه دلیل این نامگذاری  
 طوفان سندیکای گام-  
 نکسترها و سر دسته  
 معروف آنها «آل کاپون»  
 Al Capone بود که  
 این شهر را عملاً تحت  
 سلطه خویش در آورده  
 بود. به این جهت در میان  
 سیاهپا زمزمه افتاد که  
 شیکاگو برای ادامه  
 کارشان محل مناسبی  
 است. همینطور هم بود  
 و کافه‌هایی مانند «لینکلن  
 گاردن» ، «دوویل» ،  
 «رانده وو» و غیره  
 مراکز موسیقی جاز  
 شیکاگو شدند .

از اولین دسته‌های معروف جاز در این شهر میتوان دسته جاز کریول  
 تحت رهبری «کینگ اولیور» ، «نیواورلئان ریتم کینگ» و «اورپجینال  
 دیکسی لاند جاز باند» را که همه از نیواورلئان آمده بودند ، نام برد.  
 در نیواورلئان هنوز تعداد معدودی به موسیقی جاز وفادار مانده بودند و در  
 میان آنها «لوئی آرمسترونگ» بعدها خیلی معروف شد. او در بندری  
 ذغال کشی میکرد و مدتی هم شیر یاروزناه میفروخت. کینگ اولیور با  
 اصرار هرچه تمامتر میل داشت که لوئی را به شیکاگو بکشاند و روی این  
 اصل ازار کستر خود عکسی برای وی فرستاد. پیاپیست ار کستر زن سیاه-  
 پوستی با اسم «لیل هاردین» بود. آرمسترونگ نوشت «O.K من خواهم  
 آمد. به میس لیل بگو که از او خوشم آمده!» و این عشق بعدها منجر به-  
 ازدواج شد .



موسیقی دانه‌های سفید و سیاه کافه های شیکاگو بدون نت و رهبر کار میکردند (بعدها بداهه نوازی (Improvisation) جای خودش را در موسیقی جاز باز کرد) و آلات موسیقی بادی خود را هر يك بنوبت بر میداشتند و در آن میدمیدند. طبعاً جوان شیکاگو خیلی زود از مهمانهای پر حرارتش استقبال کرد و میتوان گفت که مبدأ جوشش سیاه و سفید در شیکاگو روی اصل پیدایش و تکامل جاز بوده است. اکثر شبها يك جوان متوسط القامت سفید پوست بنام « جرج وتلینگ » وارد بار « کلی استان » میشد و با دقت به ضربهای طبل « بلی دودلس » نوازنده سیاه جاز گوش میداد. آنروز کسی نمی توانست حدس بزند که این جوان روزی نقاشی معروف و یکی از مشهورترین نوازندگان جاز عصر خود خواهد شد و شرکت او در ارتش کستری نشانه صحت و اصالت آن است.

از خواننده های پیشرو جاز بایستی « بسی اسمیت » Bessy Smitt را نام برد که در « پارادایس گاردن » بار کستر جیمی نون (Noone) آواز میخواند. او را « ملکه بلوز » (آهنگهای شحلی تأثر انگیز سیاه بوستان را بلوز می گویند) می خواندند و دوستانشان موسیقی جاز از دوردست برای شنیدن وی به شیکاگو میآمدند. آوای غمناک او که از يك جنجره خشک و کمی خشن بیرون میآمد در میان گردن بندهای مرارید و دستبندها و گوشواره ها توی صحنه میلغزید، بخار میشد و حرارتش روی قلب شنوندگان اثر میگذاشت و از زندگی سخت و پر زحمت سیاهها داستانها می گفت. او بلوز « ایام دشوار »، « کارخانه جنگ »، « عشق بی عشق » و بلوز « خانه های بد » را میخواند و با وجود این که هرگز صدای خشک و بم او تعلیم نگرفته بود بعنوان يك هنرمند بزرگ مورد تجلیل همه بود. نوای او با قلبهای سیاهها آشنا بود و برایشان يك دنیا ارمغان بهمراه داشت. با وصف شهرت کم نظیرش وقتی که بر اثر تصادفی مجروح شد آنقدر بیمارستانها از پذیرفتن او بعنوان يك سیاه پوست خودداری کردند که بر اثر خونریزی در گذشت. آنها که گوش شنوایی داشتند نغمه ترومپت ها و ساکسفون های جاز را بعد از فوت ملکه بی تاج و تخت شیکاگو مدتها با لحن اعتراض آمیزی میشنیدند و از این ستم کله داشتند.

بعد از پایان جنگ جهانی دوم در اوپا بحران اقتصادی حکمروا بود ولی امریکا که تقریباً هیچگونه خسارتی ندیده بود شروع به تقویت «دنیای کهنه» کرد این برتری اقتصادی ثروت مردم و به نسبت بالا رفتن ثروت به تعداد مراکز خوشی امریکا افزود. اما این عصر طلائی هم در گذشت و بزودی «جمعه سیاه» یعنی ایام ورشکست شدن بانکها و سهام‌داران بزرگ آغاز شد. موازی با این جریانات محله جاز پرور با کافه‌های متعددش رونق خود را از دست داد. و موسیقی‌دان‌های جاز ویلان و آواره شدند. با چنین وضعی ادامه کار در شیکاگو غیرممکن بود. از یک گوشه زمزمه «نیویورک» بگوش رسید و متعاقب آن کاروان موسیقیدان‌های سفید و سیاه با امید پیشرفت بسوی آنجا براه افتاد. لوئی آرمسترونگ و زنش هم روانه راه شدند.

در نیویورک شعبه‌ای از موسیقی جاز (سونینگ) تقویت شد و موسیقیدان‌های مانند «هوراتی» و «فلتچر» سعی کردند که بجای امپرویزاسیون فی-البداهه از روی آرانژمان کار کنند، باین منظور از کسترهارا توسعه دادند



«الافیتزجرالد»

و «پاساژ» های غیرلازم را حذف کردند. این نوع از موسیقی جاز توسط «بنی گودمان» B. Goodman به منتهای درخشش رسید. گودمان که اهل شیکاگو و یکی از معروفترین نوازندگان قره‌نی است در محله سیاه-پوست های شیکاگو اولین الهام و حرارت را برای شروع زندگی هنری‌اش دریافت کرد. در محله هارلم یک نوع سونینگ بوجود آمد که آن را «هارلم سونینگ» مینامیدند؛ از کسانی که بنیان‌گذار آن بودند میتوان «چیک وب» Ch. Webb و «کاب کالورا» را نام برد. بزرگترین خواننده جاز فعلی «الافیتزجرالد»

است که شهرتش را نزد «چیک وب» و بر اثر همکاری با او بدست آورد. از



مبتکرین جاز چند نفر مثل « کینگ اولیور » و « چیک وب » در شرائط سختی در گذشتند ولی سه چهار نفر توانستند دوام بیاورند . از آن جمله اند : « رد نیکولز » و « وینگی مانون » که دومی که يك دست خود را از دست داد و با این حال باجدیت بکار خود ادامه می داد .

در شیکاگو نوازنده جوان ترومپت « فرانسیس اسپانیر » F. Spanir از کستر کوچکی ترتیب داد و سعی کرد که شانزده آهنگ معروف جاز را روی صفحه پر کند . این صفحه ها هنوز هم از مدارك معتبر تاریخچه جاز هستند در حالیکه از کستر اسپانیر در اوایل کار خود بعلت ورشکستگی از هم پاشیده شد .

دیگر از بنیان گذاران جاز که هنوز هم در نیویورک زندگی می کند « ادی کوندون » Eddie Condon نام دارد که در زمان خود معروفیتی از نظر موسیقی نداشت ولی پشت کار و شهرت او در بوجود آوردن از کسترهای جاز است . وی فرد فرد موسیقی دان های جاز قدیمی را میشناسد . از همکاران او « جورج وتلینگ » ، « بیل داویسون » ، « ماکس کامینسکی » ، « سید دالس » ، « پ. د. رائل » ، « جین شرودر » و « رجو کاروز » را نام باید برد . او مرتباً کنسرت های جاز ترتیب می دهد ، در جنگ دوم جهانی نیز برنامه های مخصوصی در رادیو برای سر بازان تشکیل میداد . از طرف دیگر از ضبط آهنگ های جاز غافل نبود . « کیسه اوری » K. Ory هم یکی دیگر از مبتکرین اصیل جاز است . او در شیکاگو زندگی میکند ولی مدت ده سال از کار کناره گیری کرده بود و حتی بکبار هم در ترومبون خود ندمید . اما اخیراً به تشویق اطرافیان دوباره شروع بکار کرد . از ۱۹۴۵ باین طرف دوباره در نیویورک به موسیقی جاز توجه شد . در بخش « گریبنویم و بللیج » دوباره این موزیک پر حرارت شنیده شد و تعداد کلوب های جاز روز بروز افزونی یافت . « بنی گودمان » و « لوئی آرمسترونگ » در کارنگی هال کنسرت هایی ترتیب دادند و بطور خلاصه میتوان گفت که زمانی که نوازندگان جاز مجبور بودند ترمپت هایشان را برای امرار معاش و پرداخت کرایه خانه گرو بگذارند ، گذشته است . در تمام دنیا ، بنگاه های صفحه پر کنی و ناشرین

موسیقی جاز را بر سمیت شناخته‌اند و ارزش نوع اصیل این موسیقی برای این نوزاد که در نیواورلئان متولد شد، در شیکاگو بروی صحنه آمد و نیویورک برایش تخته جهشی آماده کرده بود که از آنجا راهش را به تمام دنیا باز کند، مقدار زیادی در نظر دوستداران هنر بالا رفته است.

ژاله گوهری

## هنرستان ملی باله ایران (وابسته به هنرهای زیبای کشور)

روزهای یکشنبه و سه‌شنبه از ساعت ۵ الی ۷ بعد از ظهر  
ثبت نام مینماید هنرجویانیکه سن آنان از ۹ تا ۱۵ سال باشد  
میتوانند با در دست داشتن دو قطعه عکس و یک برگ رونوشت  
شناسنامه و گواهی صحت مزاج از دکتر در روزهای مزبور  
بدفتر هنرستان واقع در خیابان ارفع شماره ۵۳ مراجعه نمایند.

تلفن ۴۷۴۰۶